

دیپلماسی عزتمندانه در گفت‌وگوهای هسته‌ای

در تاریخ دیپلماسی ایران در طول چهاردهه گذشته با دو رویکرد گفتمانی روبه‌رو بوده‌ایم. دولت‌های پیشین عمدتاً در حوزه مسائل بین‌الملل با ادعای این‌که زبان مذاکره را بلدند و می‌توانند پایه توافق رسیدن با کشورهای غربی، تحریم‌ها را بردارند و به همین واسطه گشایش‌هایی را در حوزه‌های اقتصادی و معیشتی مردم فراهم کنند، پای میز گفت‌وگو با طرف‌های مقابل حاضر می‌شدند. روند تحولات و تجارب گذشته اما نشان داد این رویکرد نه تنها نتیجه‌ای مثبت برای ما نداشت بلکه باعث جسارت بیشتر غربی‌ها در برابر ملت ایران شد و ما دیدیم نه تنها تحریم‌ها برطرف نشد، بلکه هم آمریکا از برجام خارج شد و هم تحریم‌های ظالمانه علیه ایران تشدید یافت. درگفتمان اصلاحات و تدبیر عمل حل مشکلات معیشتی و اقتصادی صرفاً به موضوع برجام گره زده می‌شد، طبیعی است در چنین شرایطی نمی‌توان از منافع ملی دفاع کافی کرد و رویکردهای عزتمندانه در عرصه سیاست خارجی و دیپلماسی رعایت نمی‌شود. اما در دولت سیزدهم گفتمان جدیدی مطرح شد که براساس آن تعامل با کشورهای مختلف به جزیم جعلی اسرائیل و ایالات متحده مورد توجه جدی قرار گرفت و استفاده از ظرفیت‌های کشورهای همسایه و همجوار در دستور کار قرار داده شد. در حوزه گفت‌وگوهای هسته‌ای نیز همچنان جمهوری اسلامی مثل گذشته اعلام کرد از مذاکرات بر پایه منطق و احترام متقابل استقبال می‌کند اما گفت‌وگوهایی از نظر ما مطلوب است که به کسب منافع ملی بینجامد. بر همین اساس باید توجه داشت نه می‌توان منکر آسیب‌های اقتصادی ناشی از تحریم‌های ظالمانه شد و نه این‌که مثل دولت‌های پیشین حتی آب خوردن را منوط به توافق با غرب دانست. این نکته هم حائز اهمیت است که در عرصه تعاملات بین‌المللی علاوه بر مذاکره با غرب به ویژه در حوزه موضوعات چالش برانگیز، توجه به دیپلماسی منطقه‌ای هم از اهمیت فراوان برخوردار است و می‌تواند به واسطه تحرک فعال درحوزه بسط مراودات تجاری و اقتصادی با کشورهای ایران به همسو بسیاری از مشکلات داخلی در حوزه‌های معیشتی را حل کند. از سوی دیگر، تحولات جاری نشان می‌دهد غرب به ویژه آمریکا با توجه به رویدادها در حوزه بین‌المللی نظیر جنگ روسیه با اوکراین، به لحاظ تأمین انرژی با معضلات روبه‌رو هستند و طبیعی است که دراین عرصه بیش از ایران نیازمند از سرگیری مذاکرات هسته‌ای و رسیدن توافق در این عرصه هستند، به خصوص آن‌که ظرفیت‌های ایران به ویژه در حوزه انرژی و همچنین داشتن امکانات فراوان در حوزه سرمایه‌گذاری، این امکان را برای غرب فراهم می‌کند تا به بهره‌گیری از توانمندی‌های کشورمان، از این بحران عبور کند.

رونق تولید با افزایش سرمایه‌گذاری

سید ابراهیم رئیسی صبح روز چهارشنبه در جلسه هیات دولت با تأکید بر ضرورت استفاده از فرصت‌های ایجاد شده برای تقویت مبادلات تجاری با کشورهای منطقه به ویژه همسایگان، به دیدارهای خود در حاشیه اجلاس سران کشورهای ساحلی خزر در ترکمنستان اشاره و تصریح کرد: «وزارت جهادکشاورزی از جمله دستگاه‌هایی است که می‌تواند با توجه به زمینه و ظرفیت تولید محصولات کشاورزی در کشورهای همسایه، در زمینه مبادلات این‌گونه محصولات فعال تر شود.» وی همچنین به فرصت استفاده از خط اعتباری و نیز سرمایه‌های داخلی و خارجی برای رشد سرمایه‌گذاری در کشور، توسعه صنعت و اجرای طرح‌های مشترک با دیگر کشورها، از جمله پیگیری و اجرای کردبور رشت- آستارا و ادامه آن از طریق جمهوری آذربایجان اشاره کرد و بر تسریع در پیگیری توافقاتی انجام شده بین ایران و دیگر کشورها از سوی وزارت خارجه و دستگاه‌های ذی ربط تأکید کرد.

رئییسی با اشاره به امضای تفاهم‌نامه هفت میلیارد دلاری توسعه میدان نفتی مشترک آزادگان، این اقدام را یکی از شاخص‌های مهم اتکا به توان داخلی و استفاده از سرمایه‌ها به و نقدینگی موجود در کشور و هدایت آن به مسیر رونق تولید خواند و گفت: «اگر نقدینگی در امر رونق تولید به کار گرفته شود، رشد آن باعث گرانی نخواهد بود.

این نقدینگی سرگردان است که باعث تورم و ناپه‌سامانی‌های اقتصادی در کشور می‌شود.» رئیس جمهور افزود: «با امضای این تفاهم‌نامه که گامی مهم در مسیر تلاش‌های دولت برای افزایش سرمایه‌گذاری در رونق تولید است، شرکت‌های بزرگ اقتصادی به عنوان جریان پیشران اقتصاد کشور، فعال شده‌اند و مردم در آینده نزدیک ثمرات و نتایج این اقدامات را شاهد خواهند بود.»

اعضای کابینه سیزدهم پس از پایان نشست دیروز هیات دولت، ۱۵ تیر با

حضور در حیات دولت به پرسش‌های خبرنگاران در حوزه‌های مختلف پاسخ دادند. امضای تفاهم‌نامه ۷ میلیارد دلاری توسعه میدان نفتی مشترک آزادگان، اختصاص بسته اینترنت رایگان به سه دهک پایین و دزدیاد آوارا کسن کرونا از مهمترین مباحث دیروز بود.

پیمان جبلی رئیس رسانه ملی هم در گفت‌وگو با جام جم، در خصوص برنامه‌های صداوسیما برای ماه محرم گفت: در دوره جدید صداوسیما

برنامه‌های گفت‌وگو محور در دستور کار صداوسیماست

روایت کاظم دارابی از شکنجه اروپایی در گفت‌وگو با «جام جم»:

نامه حسین موسویان رأی دادگاه آلمان را علیه من کرد

تکرار دادگاه می‌کونوس در ماجرای حمید نوری

۴] آنچه در این ۱۵ سال در آلمان بر شما گذشت، نماد بی‌اعتنائی غرب به حقوق بشر بوده است. در مورد این دوگانگی و تناقض غرب در مسأله حقوق بشر توضیح دهید.

در باره حقوق بشری که رعایت می‌کنند یا خبریاید بگویم من شکنجه جسمی نشدم. در این ۱۵ سال یک سبلی هم به من نزدن ولی کارهایی با من کردند که از شکنجه جسمی بدتر بود. برخی مواقع به آنها می‌گفتم من را زنیتد ولی این کارها را نکندید. یکی از کارهایی که انجام می‌شد این بود که خاتم و بچه‌های من به ملاقات می‌آمدند. یک فرزند من معلول است. بچه آن زمان سه‌ساله و یک‌نکه گوشت بود. اجازه نمی‌دادند من به این بچه دست بزنم یا او را بیوسم و در بغل بگیرم. اجازه نمی‌دادند من به خانم دست بدهم و سلام‌وعلیک کنم. همین‌طور اجازه نداشت‌م فرزندان دیگر را بغل بگیرم و بیوسم. این رفتارها در جریان ملاقات برایم عذاب‌آور بود. در زمان ملاقات دو مأمور زندان دو مأمور امنیتی حضور داشتند و یک مترجم هم بود. مایا بده آلمانی صحبت می‌کردیم و اجازه فارسی یا عبری حرف زدن را نداشتیم. این خیلی عذاب‌می‌داد.

یک کار دیگری که می‌کردند این بود که روی در سلول درپچه‌ای داشت که از بیرون آن داخل دیده می‌شود. ساعت ۱۱ شب در سلول انفرادی چراغ را خاموش می‌کنند. آنها ساعت ۱۱ چراغ را خاموش و ساعت ۱۲ روشن می‌کردند و باید در سلول خود را تکان می‌دادم که نشان دهم هستم! هر یک ساعت همین ماجرا بود تا ساعت ۶ صبح! ساعت ۶ صبح چراغ را روشن می‌کردند و صبحانه‌ای می‌دادند. این من را عذاب می‌داد. مثلاً در هفته ۳۰ بار من را لخت مادرزاد می‌کردند تا ۸۰ نفر مرا تفتیش بدنی کنند. این خیلی عذاب‌آور بود. درفغات اول، درگیری ایجاد می‌شد و یک بار در دادگاه این کار اذیتم کرد و اجازه ندادم دادگاه ادامه پیدا کند و گفتم باید این مسأله حذف شود و می‌گوئید حقوق بشر را رعایت می‌کنیم، این چه حقوق بشری است؟ همه دروغ می‌گوئید. مسائل مختلف دیگری که بدتر از شکنجه جسمی بود اتفاق افتاد که اسم آن را شکنجه اروپایی گذاشته‌بودم.

۴] برای محکوم کردن شما ۴۰۰ صفحه مدرک جمع کرده بودند. این اتهامات بیشتر چه بود؟

من فردی بودم که ۱۳ سال در آلمان زندگی می‌کردم وزن و بچه داشتم. کارگاه داشتم و کاری می‌کردم. بچه‌مسلمان سیسیی بودم که با مراکز اسلامی ارتباط داشتم، تظاهرات روز قدس و تظاهرات علیه سلمان رشدی برگزار می‌کردیم و برای هیات‌های عزاداری، ماه رمضان، عاشورا و تاسوعا و ... برنامه داشتم. همه این موارد را در دادگاه آورده بودند. یعنی تمام فعالیت‌های سیاسی و فرهنگی من را به عنوان یکی از دلایل دست داشتن در این عملیات (می‌کونوس)، مطرح می‌کردند.

۴] که هیچ ربطی به این عملیات نداشت.
بله. مثل این است که بازاری در اینجا هیأت دارد و سینه‌زنی می‌کند و همان‌جا دو نفر کشته شوند و بگویند چون شما بچه‌مسلمان و هیاتی بودید، پس شما کشتید. این ربطی ندارد. یکی از دلایلی که من را محکوم کردند همین مسأله بود. این بچه‌مسلمان است و چماق به دست است، سیسیی است، طرفدار نظام جمهوری اسلامی ایران است، تظاهرات برگزار کرده است. برای اولین سالگرد وفات حضرت امام (ره) مجلسی برگزار کردم و ۲ هزار نفر از ملیت‌های مختلف دعوت شدند و برای اولین بار در برلین این اتفاق افتاد. من برای این کار، یک مرکزی کرایه و تمام آلات موسیقی را جمع کردم و روی آن پارچه مشکی کشیدم. دیوار را با پارچه مشکی پوشانیدیم و از فرش فروش‌های برلین که ایرانی بودند، فرش ایرانی گرفتیم و سالن به آن بزرگی را فرش کردم. از سراسر آلمان ایرانی، لبنانی، فلسطینی، ترک، عجم و هر کسی طرفدار نظام جمهوری اسلامی بود آنجا جمع شدند و بهترین مراسم سالگرد حضرت امام را برگزار کردیم. یکی از دلایل محکومیت من این بود. در حالی که اقدام من علنی بود.

تأکید ما برای ماه محرم و همه مناسبت‌های مذهبی روی بعد معارفی مراسم مذهبی اعم از اعیاد یا شهادت ائمه در کنار بعد مناسک بوده است. وی با بیان این‌که برای عمق دادن به حوزه معارفی، برنامه‌های جدیدی در دستور کار شبکه‌ها قرار دارد، اظهار کرد: ما با تأکید بر عمق دادن حوزه معارفی در کنار بعد مناسکی به آن می‌پردازیم. جبلی افزود: یکی از گونه‌های بسیار مؤثر و مهم برنامه‌سازی به‌ویژه در حوزه پیگیری موضوعات اجتماعی و جامعه، بحث‌های گفت‌وگو محور است البته



باید اصول حاکم بر برنامه‌های گفت‌وگو محور، اصول حرفه‌ای باشد که به درستی برای مخاطب تبیین و به محورهای لازم پرداخته شود. بنابراین چند برنامه گفت‌وگو محور که جای خالی آن نیز احساس می‌شود ضروری است مانند مسائل اجتماعی و فرهنگی، سینما، اقتصادی و ورزشی در دستور کار قرار بگیرد.



او ایستاده بودند و او با حرف‌های من کوچک شد. در بین تماشایی‌ها هم منافقین نشسته بودند. جایی که من محاکمه شدم بعد از جنگ جهانی دوم سران نازی و معاونان هیتلر در آن دادگاه محاکمه شده بودند و به همین دلیل طبقه بالای آن برای تماشایان است.

بعد از جنگ جهانی دوم تا روزی که بنی‌صدر به دادگاه من آمد، اولین‌باری بود که طبقه دوم این دادگاه پر می‌شد یعنی تا این اندازه روی بنی‌صدر مانور داده بودند و آنجا فضا طوری شده بود که تصویری کردند نظام جمهوری اسلامی باین دادگاه سقوط می‌کند! در بین تماشاچیان افرادی به من می‌گفتند دهان خود را ببند، بی‌ترتیب، خفه‌شو! من آنجا به بنی‌صدر فحش می‌دادم، به تمام‌کس و کار منافقین فحش می‌دادم و می‌گفتم از دیشب در دیسکو بودید، رقص و عرق و برنامه‌های خود را داشتید، حالا الان اینجا به من می‌گوئید خفه شوید؟ درحالی‌که تماشایی اجازه صحبت کردن و اظهار نظر ندارد. رئیس دادگاه به من هم گفت ببینید. من می‌گفتم به من فحش می‌دهند و بدویبره می‌گویند و باید طبق قانون، آنها را بیرون کنید، دو مأمور فرستاد تا این افراد را بیرون کنند. بنی‌صدر را آوردند تا علیه نظام صحبت کند و البته علیه من حرفی نزد. اما صحبت‌های منو چهر گنجی علیه من بود. می‌گفت یک بار او را به دبی دعوت کردند و در هتلی که قائم داشت، می‌خواستند تورش کنند اما قبل از این اتفاق، جریان ترور را به او اطلاع دادند و او توانست فرار کند. در واقع در این دادگاه، پرونده هر کسی که هر کجای دنیا تور کرده بودند از جمله پرونده‌های قاسلسو و کاظم رجی را هم به وین آورده بودند و می‌خواستند گردن من ببندازند. حوزنی‌ای داخل سلاح خفخن قرار دارد که روی سلاح بیچ می‌شود. زمانی که آن را آزمایش کرده بودند، گفتند قسمتی از این لوله بریده شده و خفخن را روی آن زدن. پلیس امنیت آنجا بعد از آزمایش سلاح گفته بود این سلاح‌ها لوله خفخن دارند و هر بار یک تکه را می‌برند و سر

سلاحی می‌گذارند و کار خود را انجام می‌دهند. جریان آقای موسویان این بود و هیچ‌کسی هم البته بعد از آن پیگیری‌این مسائل نشد. **۴] شما پروژه نفوذ را در مسأله‌ای مانند اظهارات موسویان چندر دخیل می‌دانید؟ این‌که جریان غربگرای داخلی همین روزها که مذاکرات در جریان است و بعد از ۳-۴ سال بدعهدی آمریکا باز هم مطالبات چهار سال پیش دارند.**
آمریکایی‌ها و اروپایی‌ها به چیزی جز سرنگونی نظام جمهوری اسلامی ایران راضی نیستند و غیر از این هدف دیگری ندارند. در واقع این‌که می‌گویند مذاکره و معامله کنید سخن بیبوه‌های است. قصد این‌ها این است که در مذاکرات از نمایندگان جمهوری اسلامی اطلاعات بگیرند. باید ببذیریم که ضرباتی که تا به حال متحمل شدیم ناشی از اقداماتی است که عناصر داخلی و غربی را انجام می‌دهند. هیچ کشور و قدرتی در دنیا نمی‌تواند نظام جمهوری اسلامی ایران را از نظر نظامی ساقط و شهرهای ما را اشغال و نظام را سرنگون کند. آنها هم فهمیده‌اند با این اقتدار نظامی ایران به اهداف خود نخواهند رسید. پس از طریق مذاکره و تاثیرگذاری روی عوامل داخلی می‌خواهند به اهداف‌شان برسند. آقای موسویان یک بار در جلسه‌ای خصوصی گفته بود مگر می‌شود نظام برای یک نفروابط خود را با کشورهای اروپایی به هم بریزد. درباره من این جمله را بیان کرده بود. من همین مسأله را در برنامه روزرو بیان کردم و او هم در اظهار نظر دیگری گفته بود که این حرف رانزده است. باید درباره نارام پیگیری می‌شدند، چه کسی به‌شما خبر داد؟ کدام سازمان و تشکیلاتی به شما گفت نامه برتذید که این دوشاهد برای شهادت می‌آیند؟ من هرچه سؤال کردم کسی چیزی نمی‌گوید.

کاظم دارابی به اتهام همکاری در ماجرای می‌کونوس ۱۵ سال به دلایل واهی و ادعای منافقین در آلمان زندانی شد اما وقتی دادگاه آلمان نتوانست ثابت کند که دارابی فرمانده حمله به رستوران می‌کونوس بوده به او حکم حبس ابد داد. دارابی می‌گوید: طبق اعترافات ساختگی یک لبنانی که قطعیت شده بود، سال‌ها در آلمان زندانی شدم. پس از سال‌ها، آن شخص لبنانی که علیه من اعتراف کرده بود در دادگاه اعلام کرد اعترافاتم علیه دارابی تحت فشار و تطمیع دادستان آلمان بوده و حرف‌هایم را پس می‌گیرم. ترور سران حزب دموکرات کردستان در آلمان دقیقاً زمانی انجام شد که جمهوری اسلامی قصد مذاکره با آنها را داشت و این نشان می‌دهد اصل قضیه ترور می‌تواند طراحی دشمن باشد. کاظم دارابی، راوی کتاب «نقاشی قهوه‌خانه» هم هست که بازخوانی خاطرات ۱۵ سال زندانی بودن او در آلمان است. او در گفت‌وگو با جام جم از نقش منافقین و ضدانقلاب و برخی چهره‌های نفوذی برای ضربه به وجه نظام جمهوری اسلامی می‌گوید و این‌که چگونه پرچم حقوق بشر به دست کسانی افتاده که با تناقض و دروغ فقط از این اسم استفاده ابزاری می‌کنند. از سوی دیگر مختصات دادگاه می‌کونوس با محاکمه حمید نوری بی‌شباهت نیست. دادستان سوئد نیز کیفرخواست بسیار طولانی و سنگینی را برای حمید نوری صادر کرده و نقش منافقین در این پرونده هم پررنگ است، برای بررسی حقوق بشر ادعایی غرب و شباهت‌های پرونده کاظم دارابی و حمید نوری با متهم می‌کونوس مصاحبه کرده‌ایم که مشروح گفت‌وگوی دارابی با خبرنگاران جام جم در ادامه آمده است.

ارزش قانونی ندارد.

۴] شما به نقش بنی‌صدر و منافقینی که ندیده و نشناخته به‌دلیل ضدیت با ایران علیه شما شهادت دادند، اشاره کردید. اما بچی درباره نفوذ جریان غربگرا از جمله حسین موسویان که آن زمان سفیر وقت ایران در آلمان بود، مطرح است که روند دادگاه شما را طولانی و مانع‌سازی کرد. درباره نقش ایشان توضیح دهید.

اگر کسی بخواهد دنبال این کار برود خیلی حساس است. نکته آن مثل آقای کشمیری است که یک‌بار دفتر حزب جمهوری اسلامی را منفجر کرد. من این طور بگویم یک روز رئیس دادگاه گفت دادگاه تمام است. آن زمان هنوز بنی‌صدر، منوچهر گنجی و چهره‌های این چنینی نیامده بودند. رئیس دادگاه گفت ما نه شاهد داریم و نه کسی هست و دیگری می‌توانیم حکم را صادر کنیم. کسی دیگر حرفی ندارد؟ همه گفتند خبر خود دادگاه پایان یافت. دادگاه تمام شد، قرار شد دو هفته بعد رئیس دادگاه حکم شفاهی را قرائت کند. وکیل من گفت نه اسم ایران و نه اسم هیچ ارگان ایرانی را نمی‌آورند و فقط به من ابد می‌دهند اما بعد از یک هفته دادگاه دوباره همه را خواست. درحالی‌که من در سلول خود خوشحال بودم که ابد می‌گیرم و دادگاه تمام شده است.

۴] به دلیل اقدامات آقای موسویان این اتفاق افتاد؛
بله، رئیس دادگاه نامه‌ای از سوی آقای موسویان خواند؛ ما قبلاً تقاضا کرده بودیم دو ایرانی که قبلاً آلمان بودند و الان در ایران زندگی می‌کنند برای شهادت به آلمان بیایند که گفته بودند نامی‌آیم، وکیل ما گفت مایه ایران خواست. درحالی‌که من در سلول خود خوشحال بودم که ابد می‌گیرم و دادگاه تمام شده است.

۴] در روند پرونده شما از همان ابتدا موضوع را در ابهامی تکه داشتند و بعد جریان ضدانقلاب به‌صورت یک‌طرفه به منافقین ضریب داد. اکنون در پرونده حمید نوری می‌بینیم که منافقین و ضدانقلاب کاملاً به‌صورت یک‌طرفه بمباران می‌کنند. این درحالی‌است که حمید نوری در سوئد به‌عنوان کشوری که مدعی حقوق بشر است، زندانی است و با این حال از امکاناتی مثل ارتباط با وکیل، خانواده و تماس با بیرون محروم است. تحلیل شما از این پرونده چیست؟ چرا در اینجا باز نقش منافقین پررنگ شده‌است؟

کسی که اصلاً چیزی ندیده، نه آنجا بوده، نه قیافه آقای نوری را دیده نه آقای نوری را می‌شناسد به‌عنوان شاهد آورده‌اند که علیه آقای نوری شهادت بدهد. این اتفاق برای من هم افتاد. یکی از شاهدان دادگاه من، آقای بنی‌صدر بود درحالی‌که پرواضح بود که شهادت او علیه کاظم دارابی نبود بلکه شهادت علیه نظام جمهوری اسلامی ایران می‌داد. یعنی تشکیلات دادگاه، او را آورده بودند تا علیه نظام حرف بزنند، در صورتی‌که متهم نامرئی آنجا ایران بود و برای آن متهم نامرئی، بنی‌صدر، منافقین و نماینده مسعود رجوی و حتی منوچهر گنجی را آورده بودند.

درحالی‌که منوچهر گنجی آخرین وزیر علوم زمان شاه بود.



باید ببذیریم ضرباتی که تا به حال متحمل شدیم ناشی از اقداماتی است که عناصر داخلی و غربی را انجام می‌دهند.



۴] شما پروژه نفوذ را در مسأله‌ای مانند اظهارات موسویان چندر دخیل می‌دانید؟ این‌که جریان غربگرای داخلی همین روزها که مذاکرات در جریان است و بعد از ۳-۴ سال بدعهدی آمریکا باز هم مطالبات چهار سال پیش دارند.

آمریکایی‌ها و اروپایی‌ها به چیزی جز سرنگونی نظام

جمهوری اسلامی ایران راضی نیستند و غیر از این هدف دیگری ندارند. در واقع این‌که می‌گویند مذاکره و معامله کنید سخن بیبوه‌های است. قصد این‌ها این است که

در مذاکرات از نمایندگان جمهوری اسلامی اطلاعات بگیرند. باید ببذیریم که ضرباتی که تا به حال متحمل شدیم ناشی از اقداماتی است که عناصر داخلی و غربی را

انجام می‌دهند. هیچ کشور و قدرتی در دنیا نمی‌تواند

نظام جمهوری اسلامی ایران را از نظر نظامی ساقط و شهرهای ما را اشغال و نظام را سرنگون کند. آنها هم

فهمیده‌اند با این اقتدار نظامی ایران به اهداف خود نخواهند رسید. پس از طریق مذاکره و تاثیرگذاری روی

عوامل داخلی می‌خواهند به اهداف‌شان برسند. آقای موسویان یک بار در جلسه‌ای خصوصی گفته بود

مگر می‌شود نظام برای یک نفروابط خود را با کشورهای

اروپایی به هم بریزد. درباره من این جمله را بیان کرده بود. من همین مسأله را در برنامه روزرو بیان کردم و

او هم در اظهار نظر دیگری گفته بود که این حرف رانزده

است. باید درباره نارام پیگیری می‌شدند، چه کسی به‌شما

خبر داد؟ کدام سازمان و تشکیلاتی به شما گفت نامه

برتذید که این دوشاهد برای شهادت می‌آیند؟ من هرچه

سؤال کردم کسی چیزی نمی‌گوید.



برای خواندن متن کامل مصاحبه کیوارکد را اسکن کنید